



پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR بررسی نمود

# حوزه علمیه پیشرو و رسالت ترسیم تمدن اسلامی

حوزه علمیه به‌عنوان نهادهی که متکفل پرورش و تربیت فقیهان و اسلام‌شناسانی اصیل است، شناخته‌شده و این نهاد علمی و مذهبی کهن در تلاش است تا با تکیه بر باب مفتوح اجتهاد، مسائل نوپدید را حل کرده و در جهت نظریه‌پردازی و ارائه نظریات دینی در عرصه‌ها و شئون مختلف زندگی بشری حرکت کند. حوزه‌های علمیه و چگونگی کنش علمی و فرهنگی آن، نقش بی‌بدیلی در ساخت تمدن اسلامی دارد؛ به‌گونه‌ای که اگر حوزه‌های علمیه نقش واقعی خود را ایفا کنند، سایر ساختارها و اجزای نظام اسلامی نیز می‌توانند دقیق‌تر عمل کنند. پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR با انتشار یادداشتی با عنوان «حوزه پیشرو و سرآمد»، نقش حوزه‌های علمیه در استقرار تمدن نوین اسلامی را بررسی نموده است که در ادامه می‌آید.

قدمی که برمی‌داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می‌کنیم، همراه باشد.» (۱۳۷۹/۷/۱۴)

#### • بایسته‌های ایجاد تمدن اسلامی

با بررسی سخنان و بیانات متعدد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان گفت که تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دارای اصول و شاخصه‌های متعددی است؛ اینکه اساساً فرآیند جامعه رو به تکامل است و یک تمدن پویا به سمت تعالی حرکت می‌کند. (۱۳۸۳/۶/۲۵) و در این مسیر، حق بر باطل پیروز خواهد شد. وعده خداوند مبتنی بر حکومت مستضعفین محقق خواهد شد. امری که بار دیگر در پیام رهبر انقلاب به حوزه علمیه، تأکید شده است؛ «بدیهی است که این تمدنِ باطل رفتنی است و ازاله خواهد شد؛ این، سنت حتمی آفرینش است: «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (سوره اسراء، بخشی از آیه ۸) ﴿فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً﴾. (سوره رعد، بخشی از آیه ۱۷) وظیفه امروز ما اولاً کمک به ابطال این باطل و ثانیاً تدارک تمدن جای‌گزین در نظر و عمل به قدر توانایی است. (۱۴۰۴/۰۲/۱۷) در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تمدن نوین اسلامی ساختنی است؛ به‌عبارت‌دیگر تمدن نوین اسلامی هم اثباتاً و هم ثبوتاً قابل ایجاد است؛ ساخت تمدن علاوه بر باور به امکان تحقق آن، نیازمند همت و اراده و تلاش و مجاهدت است: «وظیفه امروز ما اولاً کمک به ابطال این [تمدن] باطل و ثانیاً تدارک تمدن جای‌گزین در نظر و عمل به‌قدر توانایی است. اینکه بگویند: «دیگران نتوانستند، پس ما هم نمی‌توانیم»، مغالطه است. دیگران هر جا با ایمان و با محاسبه و با استقامت حرکت کردند، توانستند و پیروز شدند. نمونه واضح و پیش چشم ما، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی [است].» (۱۴۰۴/۰۲/۱۷) در این رقابت تمدنی، حاشیه‌نشینی و گوشه‌گیری نه‌تنها باعث مصونیت نشده که انزوا را به‌همراه خواهد آورد. (۱۳۹۱/۷/۱۹) غرب‌شناسی یکی از اقتضانات مهم فهم تمدنی از اسلام است و اینکه چگونه غرب از مرحله استعمار کهن به استعمار نو و سپس استعمار فرانو رسیده است، کمک می‌کند تا اسلام‌پژوه به اقتضانات مطالعات خویش توجه داشته باشد و از سوی دیگر، مرعوب نظریه‌های غربی که در بافت و موقعیت (Context) مفهومی لیبرالی یا سوسیالیستی زاده شده است، گرفتار نشود. (۱۳۸۳/۳/۲۲) در پیام اخیر رهبر انقلاب به حوزه، آمده است: «تمدن اسلامی در نقطه مقابل تمدن مادی کنونی است. تمدن مادی از آغاز با استعمار، با تصرف سرزمین‌ها و تحقیر ملت‌های ضعیف، با کشتارهای دسته‌جمعی بومیان، با استفاده از علم برای سرکوب دیگران، با ظلم، با دروغ، با ایجاد دژه‌های طبقاتی، با زورگویی شروع شد و به‌تدریج فساد و انحراف از مبانی اخلاقی و تحفظ‌های جنسی نیز در آن راه یافت و رشد کرد.

امروز نمونه‌های آشکار و کامل‌شده این بنای کج‌نهاد را در کشورهای غربی و دنباله‌روان آنها می‌بینیم: قله‌های ثروت در کنار دژه‌های فقر و گرسنگی؛ زورگویی شیفتگان قدرت به هر آن کس که بتوان به او زور گفت؛ به‌کارگیری علم برای کشتارهای عمومی؛ کشاندن فساد جنسی به داخل خانواده‌ها و تا کودکان و نونهالان؛ امروز تمدن‌های غربی و دنباله‌روان آنها می‌فرمایند: «یک انقلاب اسلامی رو به رشد است. ایشان در این‌باره می‌فرمایند: «یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد، تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم.» (۱۳۸۳/۸/۶) تمدن اسلامی حاصل یک فرآیند مدرج و مرحله‌بندی شده است که هر مرحله الزاماتی دارد که باید محقق شود و بدیهی است که بدون تحقق مرحله قبل، مرحله تکمیلی بعدی امکان‌پذیر نخواهد بود. (۱۳۸۰/۹/۲۱)

در طی این مسیر تمدنی درجه‌بندی شده، البته به‌تدریج، امور تکمیل می‌شود و باید با برنامه‌ریزی و تدقیق و با برنامه‌ریزی بلندمدت اقدام کرد و از حرکت‌های مقطعی و زودگذر و هیجانی پرهیز کرد: «حرکت عظیم نظام اسلامی و حرکت به سمت آن آینده آرمانی – که ایجاد تمدن اسلامی است؛ یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مآذیات، همراه با معنویت و دین است و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است – یک حرکت تدریجی است؛ البته پُرهیجان است؛ اما هرکس بداند چه کار می‌کند. هر قدمی که برمی‌دارد، برای او هیجان‌انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سروکارش با نسل‌ها و قرن‌هاست، این را نباید با کارهای دُعی، جزئی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام به گام، هر گامی محکم‌تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر

#### مقاله

#### • تمدن؛ سفری به سوی چه مقصدی؟

درباره اینکه تمدن چیست، تعاریف مختلفی از سوی اندیشمندان مسلمان و غربی مطرح شده است و در هر تعریف مبتنی بر عناصر و ارزش‌های معنوی و مادی هر گفتمان، شاخص‌هایی ارائه شده است. رهبر انقلاب اسلامی در بررسی ادوار مختلف تاریخ، نگاهی دانشی داشته و زوال و صعود تمدن‌ها را بر اساس ارج‌وقرب‌دادن به علم ارزیابی نموده و اوج تمدنی را مساوی با سرآمدی علمی دانسته‌اند و همچنین بارها به مسأله علم‌آموزی غربی‌ها از دانش مسلمین و مصادره علوم جهان اسلام توسط اروپایی‌ها اشاره کرده‌اند. (رجوع کنید به بیانات رهبر انقلاب اسلامی به تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۱). در این جهان‌بینی علم از دل دین می‌جوشد و علم با دین تنافی ندارد. به‌عبارت دیگر معرفت زیرساخت تمدن اسلامی است و این نظام معرفتی نه‌تنها منافاتی با علم ندارد که خود باعث تولید علم و زمینه‌ساز زایش تمدنی است. (۷۶/۱۱/۱۴) در این دیدگاه تمدن، زندگی توأم با نظم علمی عنوان‌شده است. (۱۳۸۳/۹/۱۱)

در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، «تمدن اسلامی، مبتنی بر توحید و ابعاد اجتماعی و فردی و معنوی آن است؛ مبتنی بر تکریم انسان از جهت انسانیت ـ و نه از جهت جنس و رنگ و زبان و قومیت و جغرافیا ـ است؛ متکی بر عدالت و ابعاد و مصادیق آن است؛ متکی بر آزادی انسان در عرصه‌های گوناگون است؛ متکی بر مجاهدت عمومی در همه میدان‌هایی است که در آنها نیاز به حضور جهادی هست.» (پیام حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم ۱۴۰۴/۲/۱۷)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، راهکار ایجاد تمدن نوین اسلامی را ایجاد نظام ارزشی و دانشی می‌دانند و به نظر می‌رسد، در تحقق چنین هدفی است که بر مباحثی همچون «اسلامی‌سازی علوم انسانی»، «تحول حوزه‌های علمیه» و «ایفای نقش مادری برای نظام اسلامی توسط حوزه‌های علمیه» تأکید داشته‌اند. (۱۳۸۹/۷/۲۹)

از این‌رو می‌توان بیان کرد که ساخت تمدن نوین اسلامی بدون ایجاد نظام معرفتی از نظر ایشان مقدور نیست و حوزه‌های علمیه همان‌گونه که نقش تأسیسی برای انقلاب اسلامی داشتند، باید برای تداوم انقلاب اسلامی نیز برنامه‌ریزی کنند. به‌عبارت دیگر حوزه علمیه که علت موجدۀ انقلاب است، خود علت مبقیه انقلاب هم است. (۱۳۷۹/۷/۱۴)

در منظومه فکری رهبر انقلاب، معرفت دینی و رشد و پیشرفت مادی برای رشد و پیشرفت به‌صورت توأمان لازم است و تمدن‌سازی هدف غایی انقلاب اسلامی است؛ «استقرار تمدن اسلامی» برترین هدف دنیایی انقلاب است؛ یعنی تمدنی که در آن، علم و فناوری و منابع انسانی و منابع طبیعی و همه توانایی‌ها و همه پیشرفت‌های بشری و حکومت و سیاست و نیروی نظامی و هر آنچه در اختیار بشر است، در خدمت عدالت اجتماعی و رفاه عمومی و کاستن از فواصل طبقاتی و افزودن بر پرورش معنوی و ارتقای علمی و شناخت روزافزون طبیعت و استحکام ایمان به‌کار می‌رود. (۱۴۰۴/۰۲/۱۷)

#### • تمدن‌سازی و نقش حوزه‌های علمیه

رسیدن به رشد و پیشرفت و ایجاد تمدن نوین اسلامی، بدون توجه به مبانی نظری و ساختن مبانی علمی و درانداختن فلسفه امکان‌پذیر نخواهد بود و چه‌بسا خرده‌رفتارهایی متعدد و متکثری که چون در یک جورچین گفتمانی تعریف نشده است، ما را به عقب رانده و از مسیر دور کند. در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، حوزه‌های علمیه وظیفه‌دارند تا با نگاه به آینده، نقشه‌راه تکامل انقلاب به مرحله تمدن اسلامی را تسهیل کنند و از این مسیر، با نظریه‌پردازی و راه‌انداختن کرسی‌های نظریه‌پردازی به رشد شتابان علمی سرعت ببخشند.

در پیام حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم، بر نقش حوزه در تمدن‌سازی به‌شکل ویژه تأکید شده است؛ رهبر انقلاب اسلامی، حوزه را صرفاً یک مؤتسسه تدریس و تدرّس ندانسته‌اند؛ بلکه «مجموعه‌ای از علم، تربیت و کارکردهای اجتماعی و سیاسی» تعریف شده که یکی از ابعاد آن «مرکز و شاید قله‌ی نوآوری‌های تمدّنی و آینده‌نگری‌های لازم در چارچوب پیام جهانی اسلام» عنوان شده است. (۱۴۰۴/۰۲/۱۷)

در این مسیر، نهاد حوزه علمیه باید تولید «فکر» کند؛ تولید اندیشه است که انسان را به‌سوی تمدن می‌کشاند؛ زیرا هیچ فردی و تمدنی را نمی‌توان بدون پشتوانه فکری و اندیشه‌ای در پیشبرد اهدافش در نظر گرفت. در پیام رهبر انقلاب به حوزه‌های علمیه، امر مهم «نوآوری‌های تمدّنی در چارچوب پیام جهانی اسلام» را «برجسته‌ترین انتظار از حوزه علمیه» برشمرده شده است. (۱۴۰۴/۰۲/۱۷)

#### • حوزه علمیه و مسائل پیش رو

امروز حوزه‌های علمیه با سؤالات و پرسش‌های فراوانی از سوی مقلدان از داخل و خارج کشور و همچنین مسائلی زیادی از قبیل فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط در حاکمیت مواجه هستند که بدون شک بدون شناخت دقیق موضوع و مسأله و بدون مطالعات و تحقیقات تخصصی، پاسخگویی به آن‌ها

ظلم و فسادت بی‌نظیر در نمونه‌هایی همچون غزه و فلسطین؛ تهدید به جنگ به‌خطر دخالت در امور دیگران در نمونه‌هایی مانند رفتار دولت‌مردان آمریکا در دوران‌های اخیر.» (۱۴۰۴/۰۲/۱۷)

امید و نشاط و نگاه روشن به آینده، اتکا به نیروهای داخلی، ایمان به شعار «ما می‌توانیم» و پرهیز از ناامیدی و نیفتادن در دام جنگ روانی رسانه‌ای دشمن، از لوازم حرکت در مسیر تمدنی است. (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۰۲) در این مسیر راهبردی، البته صبر و استقامت لازم است که نمونه تاریخی تمدن نبوی ﷺ حاوی نکات درس‌آموز فراوانی برای امروز ماست: «در این مبارزه آسیب‌ها و ضربه‌ها و دردها و فقدان‌هایی هست که باید تحمّل شود. در این‌صورت پیروزی حتمی است. پیامبر اعظم ﷺ شبانه و مخفیانه از مکه و از میان حلقه بت‌پرستان بیرون آمد و در غار پنهان شد؛ ولی پس از هشت سال با شکوه و اقتدار به مکه قدم نهاد و کعبه را از بتها و مکه را از بت‌پرستان پیراست. در این هشت سال رنج بی‌حساب برد و یارانی چون حمزه را از دست داد؛ ولی پیروز شد.» (۱۴۰۴/۰۲/۱۷) این صبر و پشتکار البته نسخه‌های به‌روزی هم دارد که نسل ما و پدِران‌مان آن را تجربه کرده‌اند. نمونه دیگر «دفاع مقدّس هشت‌ساله ما هم در برابر ائتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محنت‌ها روبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.» (۱۴۰۴/۰۲/۱۷)

پرهیز از تحجر، جمود، نگاه التقاطی و از سوی دیگر، ضرورت تکیه بر منابع اصیل اسلامی و فهم اجتهادی دین، از دیگر اقتضانات جنبش نرم‌افزاری در راستای تولید نظریات سازنده تمدن اسلامی است. (۸۹/۷/۲۹) آن‌گونه که در پیام اخیر رهبر انقلاب به حوزه آمده است: «در باب ترسیم شکاله تمدن اسلامی، فقه به‌نوعی و علوم عقلی به‌نوعی نقش دارند. فلسفه اسلامی ما باید برای مسائل اصلی خود، امتداد اجتماعی ترسیم کند. فقه ما هم با گسترش میدان دید و نوآوری در استنباط، مسائل نوپدید چنین تمدّنی را احصاء و احکام آن را معیّن نماید.

بیان روشن امام بزرگوار درباره فقاقت و روش آن در حوزه علمیه راه‌گشاست. در این بیان، شیوه استنباط همان روش فقه سنتی و به‌تعبیر ایشان، اجتهاد جوهری است؛ با این حال، «زمان» و «مکان» دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. ممکن است موضوعی در گذشته حکمی داشته؛ ولی با تغییر روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد، اکنون حکم جدیدی یافته باشد. این تغییر حکم، ناشی از آن است که موضوع هرچند در ظاهر همان موضوع قبلی است؛ ولی با توجه به تغییر روابط سیاسی و اجتماعی و غیره، درواقع تغییر کرده و موضوع جدیدی شده است؛ پس حکم جدیدی می‌طلبد.» (۱۴۰۴/۰۲/۱۷)

از سوی دیگر به نظر می‌رسد، اصلاح درونی حوزه و تحول در دانش‌های حوزوی و استفاده از تجارب روز، وحدت حوزه و دانشگاه‌ها، تخصص‌گرایی در علوم، تولید و تبیین اندیشه اسلام در باب نظامات اجتماعی، از دیگر ضرورت‌های نظریه‌پردازی در دانش علوم انسانی اسلامی، جهت ارتقای نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی است (رجوع کنید به بیانات به تاریخ ۸/۰۸/۰۸) و (۱۴۰۴/۰۲/۱۷) تا حوزه کنونی را در رام رسیدن به حوزه‌ای «پیشرو و سرآمد» کمک کند.

جمع‌بندی اینکه، نقش و وظیفه حوزه علمیه در حوزه ساخت تمدن اسلامی «در درجه اوّل، ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.» (۱۴۰۴/۰۲/۱۷) غور در منابع دینی و تأمل و تدبیر در آن، فهم مسائل نوپدید جهان معاصر، تقویت نگارش فلسفی و کلامی، تعمیق دانش تفسیر قرآن، به‌کارگرفتن اجتهاد جوهری مبتنی بر عناصر تعیین‌کننده زمان و مکان، توجه به اهداف و آرمان‌های تمدن اسلامی و ادبیات‌سازی و تبلیغ و تبیین آن و جریان‌سازی دغدغه تمدنی و تبدیل آن به گفتمان رایج جامعه در راستای زمینه‌سازی و نیل به آن، همگی نیازمند توجه بیش از پیش حوزه علمیه و دانشمندان و فضایی آن است که حرکت در این مسیر، می‌تواند امید را در دل طلاب و جویندگان دانش و از سوی دیگر، دل‌بستگان به فرهنگ ناب دینی زنده کرده و افق پیش رو را بیش از پیش روشن سازد.